



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

ISSN:2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 2

Analysis of Methods of Inviting to Jihad in the Quran Based on the Motivational Word "Tahriz"

Alireza Shirzad*

<https://doi.org/10.22034/ids.2025.213975>

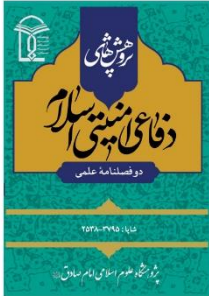
Received: 7/17/2024 Accepted: 10/9/2024

(227-246)

Abstract

In the Holy Quran, various methods are described for inviting to Jihad, which have psychological aspects. The question arises, what methods does the Holy Quran use to invite to Jihad based on the word "Tahriz"? Therefore, the present research aims to investigate and psychologically analyze these motivational methods based on the verses of the Quran and Hadiths, as well as to extract the conceptual components of the word "Tahriz". The method of this research is descriptive-analytical, and first, the components of the word "Tahriz" are discovered from the perspective of lexicographers, and then the methods of strengthening the motivation for Jihad in the Quran are extracted and analyzed based on the motivational theories of psychology. The research findings show that the word "Tahriz" means encouraging people to engage in serious matters, the violation of which will lead to imminent destruction, and this encouragement is done through two methods: "embellishment" (taz'een) and "facilitation" (taseel). Also, the methods used in the Quran are based on its lexical components, which include mentioning the various rewards of Jihad as an act of embellishment, and the methods of expressing the abilities of the fighters and also underestimating the enemy are in line with making the action easy or facilitating the performance of the action.

Keywords: Motivation, Jihad, Facilitation, Military Psychology, Psychological Operations



*. PhD in Quran and Islamic Texts,
Qom University of Islamic Education,
Iran, ashirzad125@gmail.com



تحلیل روش‌های دعوت به جهاد در قرآن با ابتدای بر واژه انگیزشی «تحریض»

علیرضا شیرزاد*

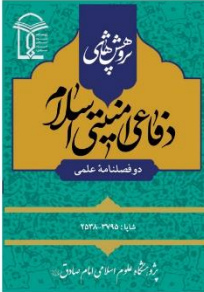
شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2025.213975>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۹
(۲۲۷-۲۴۶)

چکیده

در قرآن کریم روش‌های متنوعی جهت دعوت به جهاد بیان شده که دارای جنبه‌های روانشناختی است. حال این سوال پیش می‌آید که قرآن کریم برای دعوت به جهاد با ابتدای بر واژه «تحریض» از چه روش‌هایی استفاده نموده است؟ به همین جهت پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل روانشناختی این شیوه‌های انگیزشی بر اساس آیات قرآن و احادیث و نیز استخراج مؤلفه‌های مفهومی واژه «تحریض» انجام شده است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و ابتدا مؤلفه‌های واژه «تحریض» از منظر لغت شناسان کشف شده و سپس شیوه‌های تقویت انگیزه جهاد در قرآن استخراج شده و بر اساس نظریات انگیزشی دانش روانشناسی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که واژه «تحریض»، ترغیب افراد نسبت به پرداختن به امور خطیری است که تخلف از آن، هلاکت قریب الوقوع را در پی خواهد داشت که این ترغیب با دو روش «تزیین» و «تسهیل» انجام می‌شود. همچنین روش‌های بکار رفته در قرآن نیز بر اساس مؤلفه‌های لغوی آن بوده که بیان انواع پاداش‌های جهاد به عنوان تزیین عمل و روش‌های بیان توانایی‌های رزمندگان و نیز ضعیف‌انگاری دشمن نیز در راستای آسان‌انگاری یا تسهیل در انجام عمل می‌باشد.

کلیدواژه: انگیزش، جهاد، آسان‌انگاری، روان‌شناسی نظامی، عملیات روانی



مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب تشریح و قانون گذاری در بردارنده دستورات مختلفی است که بخشی از این دستورات الهی همچون جهاد و مقاتله در راه خدا به علت احتمال خطرات جانی، دوری از خانواده و طاقت فرسا بودن آن با دشواری های زیادی برای مسلمانان همراه بوده که مجموع این عوامل در کاهش انگیزه جهاد در راه خدا مؤثر بوده است. در همین راستا خداوند متعال تعدادی از این عوامل کاهنده انگیزش را برشمرده و محبت افراطی به آنها را عاملی برای دوری از میدان نبرد دانسته است: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه: ۲۴).^۱

با توجه به شرایط خاص مسأله جهاد، مشاهده می شود در دو مورد خداوند متعال در قرآن به صورت مستقیم به پیامبر اکرم ﷺ فرمان می دهد که مؤمنان را نسبت به جهاد ترغیب نماید. البته با توجه به جستجوهای انجام شده در آیات قرآن، می توان بیان نمود که تنها موردی که خداوند فرمان انگیزه سازی به پیامبر خود داده در مورد جهاد می باشد و این امر، اهمیت مسأله تقویت انگیزه را در انجام جهاد بیشتر می نماید.

البته لازم بذکر است که مسأله انگیزه سازی در قرآن منحصر در آیات جهاد نمی باشد بلکه در موارد متعددی در قرآن مشاهده می شود که خداوند متعال به منظور ترغیب مخاطبین خود در انجام توصیه یا دستورات دینی از روش های متعدد انگیزه سازی استفاده نموده است که روش تعمیم دهی و آسان انگاری انجام روزه در آیات ۱۸۳ و ۱۸۴ سوره بقره نمونه ای از این انگیزه سازی هاست.^۲

اما در مسأله جهاد در قرآن کریم با دو نوع مبحث روبرو هستیم: گاهی با دستور به انگیزه سازی و گاهی با اشاره به خود روش های انگیزه سازی در جهاد.

۱. بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده اید، و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید، و خانه هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمانان را هدایت نمی کند!

۲. ر.ک: شیرزاد و کاویانی، «شیوه های تقویت انگیزش رفتار مطلوب در آیات قرآن و روایات اسلامی»، اخلاق

توضیح بیشتر آنکه علاوه بر وجود واژگانی که خود بار انگیزشی ندارند اما در بافت معناشناختی قرآن از آنها معنای انگیزشی استنباط می‌شود مانند: سبقت در کار خیر و سرعت در مغفرت الهی، واژگانی نیز وجود داشته که بصورت مستقیم معنای انگیزشی دارند که از جمله آنها «إثاره» و «بعث» می‌باشند که به معنای برانگیختن و تحریک نمودن هستند (کاویانی، ۱۳۹۳: ۸۸). اما در میان این لغات مستقیم انگیزشی، آن لغتی که خداوند بوسیله آن از پیامبر خویش خواسته است که در مومنان نسبت به قتال، انگیزه سازی نماید واژه «تحریض» است که در دو آیه قرآن کریم چنین کاربرد داشته است:

۱. فَقاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا (نساء: ۸۴)^۱

۲. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال: ۶۵)^۲

همچنین خداوند متعال به منظور انگیزه سازی در انجام جهاد صرفاً به بیان فرمان به پیامبر خویش بسنده ننموده و از بررسی آیات قرآن پیرامون جهاد و مقاتله می‌توان نتیجه گرفت که آیات متعددی نیز دربرگیرنده گزاره‌های روشی جهت انگیزه سازی برای مسلمانان است که بوسیله آنها نسبت به این حکم دشوار الهی ترغیب شوند.

اما آنچه که در مرحله آغازین پژوهش پیرامون روش‌های دعوت به جهاد در قرآن کریم حائز اهمیت است، مفهوم پژوهی واژه «تحریض» است که می‌تواند در فهم بهتر آن روش‌ها یاری رساند زیرا بر اساس آموزه‌های کلامی، تمام افعال و کلام الهی حکیمانه و از روی غرضی بوده است به همین جهت استعمال ریشه «حرض» در میان دیگر لغات انگیزشی در زبان عرب با دلالتی همراه بوده که استخراج ابعاد این واژه از کتب لغوی این مساله را روشن نموده است.

در نتیجه پس از مفهوم‌شناسی واژه تحریض و بیان ابعاد آن و ذکر دو مؤلفه روشی آن،

۱. پس در راه خدا پیکار کن؛ جز عهده‌دار شخص خود نیستی. و [لی] مؤمنان را [به مبارزه] برانگیز. باشد که خداوند آسیب کسانی را که کفر ورزیده‌اند [از آنان] باز دارد، و خداست که قدرتش بیشتر و کيفرش سخت‌تر است.
۲. ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از [میان] شما بیست تن، شکیباً باشند بر دویست تن چیره می‌شوند، و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند، چرا که آنان قومی اند که نمی‌فهمند.

شیوه‌های دعوت به جهاد نیز در آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفته که یافته‌ها نشان از هماهنگی مفهوم لغوی تحریض با روش‌های انگیزشی دعوت به جهاد در قرآن است و هریک از این روش‌ها نیز در این پژوهش با استفاده از برخی نظریات انگیزشی دانش روانشناسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. پیشینه پژوهش و وجه نوآوری

در میان کتب و مقالات انتشار یافته، نوشتاری که به روش‌های دعوت به جهاد با توجه به کلیدواژه انگیزشی «تحریض» در قرآن کریم، اشاره نموده باشد یافت نشد اما مقالاتی وجود دارد که در زمینه‌های مرتبط با آن نگاشته شده است:

«تحلیل هرمنوتیک عملیات روانی در عصر نبوت پیامبر اسلام ﷺ». نویسندگان در این نوشتار معتقدند که در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که تلاش دارد روحیه مسلمانان را در صحنه نبرد بالا برد. بخشی از این آیات در مقام پاسخگویی به عملیات روانی دشمن بوده و درصدد است آن را خنثی نماید و بخشی دیگر از آیات که جنبه تعرضی دارد می‌خواهد روحیه طرف مقابل را مورد تأثیر قرار داده و وادار به تسلیم نماید. نتایج پژوهش مذکور این بوده که چنانچه آیات قرآن کریم به درستی بررسی و تبیین شود روش و فرهنگ استواری جهت اصلاح سبک عملیات روانی توسط مسلمانان در ابعاد انتشار شایعه، استفاده از اشعار نظامی، تظاهر به قوی بودن، پایبندی به مقدسات خود و حمله به مقدسات طرف مقابل خواهد بود. (رشیدی و همکارش، ۱۳۹۴).

«رهیافتی اسلامی در مفهوم سازی بنیادی عملیات روانی». نویسندگان این اثر با ذکر موارد و انواع عملیات روانی در سیره نظامی امیرالمؤمنین علیه السلام در سه بازه پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ، مقوله‌های اساسی عملیات روانی در سیره حضرت را برشمردند. این مقوله‌ها عبارتند از: نگرش منطقی، نمادسازی و نمادسوزی، توجه به ظرفیت‌های اجتماعی، نفوذ عاطفی، خلق انفعال در جبهه مقابل، ظرفیت آفرینی داخلی و موضع‌گیری فعال. نویسندگان در نهایت نتیجه گرفتند که اصطلاح رایج «عملیات روانی» در علوم نظامی در بسیاری از اصول، مبانی و حتی تاکتیک‌ها با الگوی عملیات روانی در اندیشه دینی متفاوت

است و در اندیشه دینی روش‌ها و رویکردهای متفاوتی از عملیات روانی رایج دارد. (محمدی سیرت و همکارش، ۱۳۹۵).

«دکترین و سیاست‌های دفاعی امنیتی در صحیفه سجدیه» در این اثر به بررسی مفهوم امنیت و آموزه‌های دفاعی در روایات امام سجاد علیه السلام پرداخته شده است. نویسنده در این مقاله معتقد است که صحیفه سجدیه بویژه دعای بیست و هفتم آن شامل دکترین و آموزه‌های دفاعی - امنیتی بسیار منسجم و کم نظیری است که با رویکرد ظلم ستیزانه و در عین عدم تأیید حکومت‌های جائر وقت بیان شده و امروزه نیز می‌توان بدان آموزه‌ها اتکاء و استناد نمود. در نتیجه نوشتار مذکور در سه سرفصل، علل پیدایی و پایایی ناامنی بویژه در عصر معصومین، دوره متلاطم، بحرانی و سرشار از ناامنی عصر امام چهارم علیه السلام، مفهوم و جایگاه امنیت در منابع اسلامی نگاشته شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶).

همچنانکه ملاحظه گردید مقالات چاپ شده در زمینه‌های مرتبط با این نوشتار، یا بصورت کلی به مفهوم عملیات روانی از منظر اسلامی پرداخته‌اند که البته بخش اندکی از آنها پیرامون مساله جهاد در صدر اسلام است و یا بصورت جزئی به دکترین دفاعی اسلام در آموزه‌های صحیفه سجدیه اشاره نمودند و به همین جهت هیچ کدام از مقالات با نگاه انگیزشی به روش‌های دعوت به جهاد در آیات قرآن کریم خصوصاً با توجه به واژه انگیزشی «تحریض» نپرداخته است در نتیجه این نوشتار عهده دار برطرف نمودن این خلاء پژوهشی است که البته یافته‌های آن می‌تواند در روانشناسی نظامی و تاکتیک‌های انگیزشی نبرد مورد استفاده قرار گیرد.

۲. مفهوم شناسی واژه «تحریض»

واژگان متعددی در زبان عرب یافت می‌شود که در معانی انگیزشی همچون تشویق و ترغیب و برانگیختن استفاده می‌شود و مهم‌ترین آنها ریشه‌های لغوی همچون «حرض»، «حث» و «حرض» می‌باشد. البته با وجود اشتراکات معنایی که حتی می‌توان آنها را مترادف یکدیگر دانست (جوهری، ۲۱۳: ۱۴۳۳ و ۲۴۸). اما دقت در مؤلفه‌های هر یک از این واژگان، وجوه افتراق میان آنها را روشن می‌نماید. این پژوهش نیز به دلیل کاربرد قرآنی ریشه لغوی «حرض» در تشویق به جهاد، به مفهوم شناسی و کشف مؤلفه‌های آن خواهد پرداخت.

در تعریف این واژه، نکات مختلفی از جانب لغت‌شناسان بیان شده است. ابن فارس، برای ماده «حرض» دو ریشه لغوی در نظر گرفته است که یک ریشه آن «رویدن و نمو» و ریشه دیگر آن، «در سُرفِ هلاک بودن» می‌باشد به همین جهت هنگامی که از مورد تحریض مانند قتال، سرپیچی شود سبب هلاکت خواهد شد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲، ۴۱). همچنین ابن منظور و حسینی زبیدی تحریض را نوعی ترغیب دانسته که مخالفت با آن می‌تواند نابودی مخالفت‌کنندگان را نزدیک نماید (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۷، ۱۳۳؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۳۵: ۱۰). اما در میان لغویون، راغب اصفهانی، علاوه بر اینکه به مؤلفه هلاکت و افساد در واژه «حرض» اشاره نموده است، به روش‌های اجتناب از آن نیز اشاره کرده که ترغیب نمودن بوسیله کثرت تزئین و تسهیل گام نهادن در آن را به عنوان دو روش دوری از هلاکت بیان نموده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۲۸).

از بررسی این تعاریف می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که واژه تحریض یک نوع ترغیب و تشویقی می‌باشد و در زمانی استفاده می‌شود که امر مهم و تعیین‌کننده‌ای در میان بوده و عدم پرداختن به آن می‌تواند خطرهای جبران‌ناپذیری همچون هلاکت و نابودی را به دنبال داشته باشد. به همین جهت متعلق و یا موضوع تحریض، امور خطیری همچون جهاد است که تخلف از آن هلاکت قریب الوقوع را در پی خواهد داشت. همچنین به جهت اینکه مقابله با چنین هشدارها نیازمند انگیزه‌ای قوی است در نتیجه هرچه زیباتر و آسان‌تر جلوه دادن انجام عمل در نظر افراد، می‌تواند راحت‌تر آنان را به سمت رفتار مورد نظر سوق دهد.

۳. روش‌های قرآنی دعوت به جهاد

آنچه که از مفهوم شناسی واژه تحریض برداشت شده است، دو نوع روش در درون این واژه وجود داشته که از طریق آنها می‌توان افراد را به سمت رفتار مورد نظر برانگیخت. اما با دقت و تتبع در آیات مربوط به جهاد در قرآن کریم به این امر رهنمون خواهیم شد که روش‌های خداوند متعال در انگیزه‌سازی مسلمانان در انجام جهاد نیز با مؤلفه‌های روشی این واژه همخوانی داشته و می‌توان آنها را مصداقی از زینت و آسان‌انگاری دانست. در ادامه روش‌های مورد نظر تبیین خواهد شد.

۳-۱. زیبا جلوه دادن انجام جهاد

اولین مؤلفه روشی واژه «تحریض» کثرت زینت عمل بوده است که پیرامون مساله جهاد بصورت‌های متعددی، این زیبا جلوه نمودن توسط خداوند متعال صورت پذیرفته که البته نمی‌توان از اثر انگیزشی آن غافل شد. این روش‌ها که عمدتاً ثمره‌ای را در برابر انجام جهاد برای رزمندگان منظور می‌کند دارای مراتب مختلفی بوده که هر یک از این فواید می‌تواند به تنوع نیازها و تمایلات درونی افراد، انگیزه آنها را در مسیر جهاد تقویت نماید. اما در میان نظریات مختلف انگیزش در روانشناسی، آن نظریه‌ای که می‌تواند این روش انگیزشی قرآن را تا حدودی تبیین نموده و فهم آیات را تسهیل ببخشد، «نظریه انتظار»^۱ ویکتور وروم^۲ است. این نظریه بر این اصل بنا شده که انتظار هر فرد از تلاش‌های خود می‌تواند انگیزش او را نیز تحت تأثیر قرار دهد. نظریه مذکور که نظریه مشوق نیز نامیده شده (گورمن، ۱۳۸۹: ۸۷) اشاره می‌دارد که به هر میزان، فرد به رسیدن به یک پاداش معین از انجام عمل مورد نظر اعتقاد داشته باشد به همان میزان، انگیزش او نیز برای انجام آن عمل افزایش خواهد یافت و به هر میزان که پاداش مورد نظر برای او ارزش و مطلوبیت داشته باشد، انگیزش او نیز به همان میزان تقویت خواهد شد (آیزاک^۳ و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۱۴).

با توجه به نظریه مذکور، در قرآن کریم علاوه بر اینکه بخشی از این پاداش‌ها بصورت کلی بیان شده، همچون آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُفْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ...»^۴ (بقره: ۲۱۶) که انجام جهاد را دارای مصالح و «خیر» برای بندگان دانسته است، بخشی دیگر آیات نیز با ذکر مصادیقی از این پاداش‌ها پرده برداشته که در ادامه به انواع ثمرات و پاداش‌های انجام جهاد و مراتب انگیزشی هر یک اشاره خواهد شد:

¹ expectancy Theory

² Victor Vroom

³ Isaac Robert G

⁴ جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است.

۳-۱-۱. نعمات دنیوی و اخروی

بخشی از آیات برانگیزاننده جهاد و در راستای تزیین این عمل، آیاتی است که پاداش مقاتله و شهادت در راه خدا را نعمت‌هایی دانسته که در دنیا و آخرت نصیب جهادگران خواهد شد. اما نکته قابل توجه آن است در بخشی از این آیات، خداوند متعال اعطای چنین نعماتی در عوض انجام جهاد را به مانند خرید و فروش اجناس در دنیا دانسته و لذا صریحاً از الفاظی همچون تجارت و خریدن استفاده نموده است.

۱. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ تَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (صف: ۱۲-۱۰)

۲. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (۱۱۱)

استفاده از این لغات که در میان مردم متداول است علاوه بر اینکه به علت ملموس تر نمودن پاداش جهاد می تواند در مخاطب اثر برانگیزاننده بیشتری داشته باشد، به دلیل اینکه خریدار آن را خداوند معرفی می کند، خداوندی که در وعده خود تخلف نمی نماید^۲ اعتقاد راسخ تری در مخاطب نسبت به محقق شدن پاداش ایجاد می نماید.

اگرچه بیشتر پاداش های جهاد مربوط به آخرت است اما بخشی از آن نیز در همین دنیا

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می‌بخشد؟ * به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید این برای شما (از هر چیزی) بهتر است اگر بدانید * (اگر چنین کنید) گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغهایی از بهشت داخل می‌کند که نهرها از زیر درختانش جاری است و در مسکنهای پاکیزه در بهشت جاویدان جای می‌دهد و این پیروزی عظیم است

۲. خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد (به این گونه که: در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند این وعده حقیقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ.

۳. إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِعَادَ (آل عمران: ۹)

به مجاهدان خواهد رسید که غنائم جنگی در عرصه‌های نبرد نمونه‌ای از این پاداش‌های دنیوی جهاد می‌باشد که در آیات قرآن نیز به آن اشاره شده است:

۱. «وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا...» (فتح: ۲۰)^۱

۲. «فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلالًا طَيِّبًا...» (انفال: ۶۹)^۲

۳-۱-۲. مقامات الهی

اما در برابر آیاتی که به پاداش‌هایی از جنس عطا‌های دنیوی و منازل بهستی اشاره نمودند، آیات دیگری نیز در قرآن آمده که به پاداشی فراتر از همه این پاداش‌ها اشاره نموده است. این تنوع پاداش‌ها سبب تنوع موارد انگیزشی برای مخاطبان شده تا هر یک بنا بر نیاز و میل خود برای رسیدن به پاداش دلخواه خود تلاش کنند زیرا براساس نظریه انتظار، عملکرد بهینه افراد با پاداشی در ارتباط است که برای آنها اهمیت داشته باشد (سکیو^۳ و همکاران، ۱۸۴: ۲۰۱۳) چه بسا پاداشی برای فردی برانگیزاننده بوده و برای دیگری اثر انگیزشی اندکی داشته و یا هیچ انگیزه‌ای در او ایجاد نکند. این پاداش‌های متفاوت از پاداش‌های ذکرشده را می‌توان پاداش‌هایی از نوع محبت الهی و رسیدن به مقامات عالی در نزد پروردگار دانست که جنس این پاداش‌ها با موارد گذشته متفاوت است:

۱. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (صف: ۴)^۴

۲. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرًا عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه: ۲۰)^۵

این دسته از پاداش‌های الهی ظرفیت مخصوص خود را در مسلمانان می‌طلبد زیرا اینکه محبوب و گرامی شدن نزد خدا برای فردی به عنوان یک پاداش ارزشمند شمرده شود وابسته به یک معرفت و در نتیجه آن، محبت عمیق نسبت به پروردگار است که سبب شده در میان

۱. خداوند غنائم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می‌آورید

۲. از آنچه به غنیمت گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید

3. Leonina-Emilia SUCIU

۴. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گویی بنایی آهنین اند

۵. آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر

است و آنها پیروز و رستگارانند

انواع پاداش‌ها، چنین پاداشی نزد او از دیگر پاداش‌های دنیوی و اخروی همچون بهشت برین ارزشمندتر شود. در سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز مشاهده می‌شود که در نبرد صفین، علاوه بر اینکه با ذکر پاداش‌های بهشتی جهاد، در رزمندگان خود انگیزه‌سازی می‌نمود، آیه «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (صف: ۴) را نیز پس از بیان آن پاداش‌ها ذکر نمود (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۳۹)^۱ که این امر بر تنوع پاداش‌های انگیزه‌ساز در سیره جنگی ایشان دلالت دارد.

البته شایسته ذکر است عملی که صرفاً برای محبت و قرب الهی انجام شده نمی‌توان با عملی را که برای نعمات بهشتی انجام شده یکسان دانست. این مطلب در حدیثی از امام صادق علیه السلام پیرامون عوامل انگیزشی در عبادات، مشهود می‌باشد. ایشان عبادتی بخاطر کسب ثواب آن و یا ترس از جهنم را نسبت به عبادت بخاطر حبّ خداوند را از رتبه ارزشی پایین‌تری برخوردار می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷، ۸۴: ۲)^۲، در نتیجه می‌توان گفت که منبع انگیزش به عمل انسان ارزش بخشیده و هر چه منبع انگیزش والاتر باشد عمل برخاسته از آن نیز والاتر و با ارزش‌تر خواهد بود (مهدوی نژاد، ۱۳۹۱: ۹۷).

۳-۲. آسان‌نگاری انجام جهاد

یکی دیگر از مؤلفه‌های روشی واژه «تحریض» آسان‌نمودن یا آسان‌نگاری گام نهادن در وادی جهاد و مبارزه است که در قرآن کریم نیز بصورت متعدد با این روش روبرو هستیم که در صورت اجرا نمودن این روش‌ها، رزمندگان با آسان‌دیدن جهاد، انگیزه کافی برای رفتن به میدان جنگ را پیدا خواهند نمود. در ادامه به برخی از این روش‌های آسان‌نگاری اشاره خواهد شد:

۳-۲-۱. بیان توانایی‌های رزمندگان

یکی از روش‌های دعوت به جهاد که در راستای عملی نمودن روش دوم تحریض یعنی آسان

۱. حَرَّضَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ص النَّاسَ بِصَفِيٍّ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ دَلَّكُمْ عَلَى تَجَارَةٍ تُنَجِّيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ وَ تُشْفِي بِكُمْ عَلَى الْخَيْرِ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ جَعَلَ ثَوَابَهُ مَغْفِرَةً لِلذَّنْبِ وَ مَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّتِ عَدْنٍ وَ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ
 ۲. إِنَّ الْعِبَادَةَ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.

انگاری است، بیان توانایی‌ها و در حقیقت نقاط مثبت موجود در رزمندگان است که در انجام جهاد می‌تواند کمک موثری برای آنها باشد. نمی‌توان انکار نمود که بسیاری از سستی‌ها و عدم آغاز کارهای مهم از جمله مبارزه با دشمنان به دلیل عدم آگاهی از توانایی‌های وجودی انسان و نیز عدم خودباوری است که می‌تواند راه پیش رو را برای او سخت جلوه دهد به همین جهت ایجاد خودباوری در رزمندگان که با شناخت و تکیه بر توانمندی‌های آنان صورت می‌گیرد به عنوان روشی مؤثر در تقویت انگیزه جهاد خواهد بود در نتیجه می‌تواند خودباوری و اعتماد به نفس را نیروی محرکی برای انجام کلیه فعالیت‌ها دانست (فعالی، ۱۳۹۱: ۱۹).

در یکی از آیاتی که خداوند متعال پیامبر خویش را مأمور به انگیزه‌سازی در امر جهاد می‌نماید، بلافاصله خود خداوند به مطلبی اشاره می‌فرماید که بدون تردید سبب تقویت انگیزه مؤمنان شده و آن مطلب، توجه دادن به «نیروی عجیب مؤمنان» در نبرد با کفار است تا آن‌جا که صد نفر از مؤمنان می‌توانند حریف هزار نفر از کفار گردند. البته به شرط اینکه ایمان آنان با شکیبایی همراه گردد.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال/ ۶۵)^۱

نکته‌ای که در آیه مذکور مشاهده می‌گردد این است که خداوند متعال، رابطه این توانایی را با موفقیت در جهاد نیز بیان نموده به این معنا که چگونه بیست نفر می‌توانند بر دویست نفر غالب گردد؟! در نتیجه مشاهده می‌کنیم که در پایان آیه، خداوند متعال با عبارت «بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» به این رابطه اشاره نموده و بر اقتناع ذهنی مخاطب افزوده و در نتیجه اثرگذاری این روش را بیشتر می‌نماید. آری فهم عمیق این معنا که مرگ پایان زندگی نیست و بهترین نعمت‌های بهشتی که در رأس همه آنها رضوان الهی است در انتظار کشته شدگان در راه خداست، بدون تردید نیروی عجیبی به مؤمنان خواهد داد تا از جهاد با مشرکان ترسی به دل

۱. ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ با دشمنان برانگیز؛ هرگاه از شما بیست نفر با استقامت باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند.

راه ندهند اما در مقابل کفار و مشرکین از چنین فهمی برخوردار نبوده و مرگ را پایانی بر همه لذت‌های دنیوی خود می‌دانند و همین عدم فهم، سبب ضعف آنها در برابر مؤمنان شده است.

نمونه دیگری از بیان توانایی‌های رزمندگان در دعوت به جهاد را می‌توان در آیه ۱۳۹ سوره آل عمران مشاهده نمود. در جنگ احد به دلیل اینکه تعداد قابل توجهی از مسلمان مجروح یا کشته شده و لشکر اسلام نیز در آن جنگ به پیروزی نرسید، این امر سبب شده بود که عده‌ای از مسلمانان دچار سستی در اراده و اندوه شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳۹: ۴)، این شرایط سخت مسلمانان پس از چنین جنگی ایجاب می‌کرد که روحیه آنان تقویت شده و در نتیجه برای ادامه مبارزه با مشرکین آماده می‌شدند زیرا بدون یک روحیه عالی، افراد در میدان نبرد انگیزه کافی برای اقدامات مؤثر و مثبت را نخواهند داشت (سلیمانی، ۱۳۸۲: ۶۸). لذا می‌بینیم که خداوند متعال در جهت انگیزه‌سازی مؤمنان (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۹۸) آیه «وَلَا تَهْوَا وَلَا تَحْزَنُوا وَ اَنْتُمْ الْاَعْلَوْنَ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ (آل عمران) را نازل نموده و تفوق و برتری مؤمنان نسبت به کفار را به آنان یادآور می‌شود. آری ایمان‌گوهری است که در وجود هرکه باشد همان قوت قلبی برای او و رمز پیروزی اش خواهد بود البته اگر این گوهر ارزشمند را در وجود خود احساس نموده و به آن باور داشته باشد.

امروزه در دانش روانشناسی، قضاوت فرد نسبت به مهارت‌ها و توانایی‌های خویش به منظور داشتن یک عملکرد ثمربخش به عنوان یک نیروی انگیزه دهنده مطرح می‌شود که نظریه «احساس خودکارآمدی»^۲ دانشمندی به نام «بندورا»^۳ به این مطلب اشاره دارد. به منظور رسیدن به احساس خودکارآمدی، یکی از منابع ایجاد آن در فرد، «قانع‌سازی کلامی» یا تلقین توسط دیگران است که سبب شده فرد بیشتر روی توانمندی‌ها و استعدادهای خود و کمتر روی ضعف‌های خویش تمرکز نماید (ریو، ۱۳۹۳: ۲۴۳ و ۲۴۶). خودکارآمدی یعنی باور به اینکه «من می‌توانم» که به اعتقادات فرد مبنی بر توانایی انجام

۱. و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید

2. Self-efficacy

3. Bandura

تکالیف در شرایط خاص و نیز باور کلی فرد در مورد توانمندی و قابلیت‌های خود اشاره دارد و می‌تواند عامل تعیین‌کننده رفتار باشد. (امیری و مصرآبادی، ۱۳۹۸: ۴۷)

یکی از اثرات مهم این روش دعوت به جهاد یعنی آشنا نمودن رزمندگان با توانایی‌های خویش این است که بیان نقاط قوت پیش از درخواست کارهای بزرگ از دیگران سبب می‌شود که آنها راه موفقیت در آن کار را یافته و با اتکاء و بهره‌مندی از آن توانایی خویش، در راه انجام امور خطیر قدم بردارند در نتیجه علاوه بر اینکه انجام امور دشواری همچون جنگ و مبارزه برای آنها دشوار جلوه ننموده و قدم گذاشتن در آن مسیر آسان می‌گردد، انجام آن امر خطیر نیز به دلیل شناخت نقاط قوت خویش در رویارویی با دشمن، با موفقیت بیشتری همراه خواهد بود.

البته لازم بذکر است که در آیه ذکر شده، یک شرط مهم برای موفقیت بیان شده که «ایمان» می‌باشد در نتیجه اتکای به توانایی‌ها به تنهایی کافی نبوده و اعتماد به نفسی مشروط به ایمان به خداوند و وعده‌های او نیازمند است.

۳-۲-۳. ضعیف شمردن دشمن

همچنانکه در بخش قبلی، بیان توانمندی‌های سپاهیان اسلام و در نتیجه ایجاد خودباوری در آنان می‌توانست سبب آسان‌نگاری مسیر مبارزه با دشمنان شود، ضعیف شمردن دشمن نیز می‌تواند چنین اثری را به دنبال داشته باشد که البته اجتماع این دو عامل مهم انگیزشی یعنی باور به خود و حقیر دانستن سپاه کفر در برابر قدرت سپاه اسلام می‌تواند اثر بی‌بدیلی در میدان نبرد به جای گذارد. اصولاً در عملیات روانی نگرش مردم و نیز عقاید و نظراتی که پیرامون دشمنان خود دارند در روحیه جمعی مبارزه و دفاع آنان در کارزارها مؤثر خواهد بود (جنیدی، ۱۳۸۹: ۱۹۶). به همین جهت در طول تاریخ رسانه‌های تبلیغاتی دشمن درصدد بزرگنمایی قدرت‌های خود بوده تا از طریق دشوار جلوه دادن مبارزه با آنان، جرأت رویارویی با خود را در مسلمانان بکاهند که البته روش خداوند متعال در کم جلوه دادن آنها در قرآن کریم می‌تواند چنین تبلیغات سست‌کننده‌ای را خنثی نماید.

در آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند متعال انسان را از دشمنی شیطان بر حذر داشته

است. در نه آیه از آیات قرآن کریم شیطان به عنوان «دشمن آشکار انسان» معرفی گردیده^۱ و حتی در یکی از آیات قرآن، خداوند متعال آنقدر بر دشمنی شیطان نسبت به انسان تأکید نموده که به آنها امر می‌نماید که شیطان را دشمن خود بدانند.^۲

از مجموع آیاتی که در مورد شیطان نازل شده اینگونه برداشت می‌گردد که خداوند انسان را از چنین دشمنی به شدت برحذر داشته و این تأکیدها می‌تواند نشان از قدرت بسیار شیاطین باشد، اما در برابر تمام این دشمنی‌های شیطان و قدرت او در فریب انسان، تنها در یکی از آیات قرآن کریم خداوند متعال مکر و نیرنگ شیطان را ضعیف می‌انگارد:

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء/۷۶)^۳

همانطور که ملاحظه می‌شود، هنگامی که مسأله مبارزه با دوستان و پیروان شیطان به میان است، خداوند متعال مکر و فریب شیطان را که بارها قوی جلوه داده بود، ضعیف می‌انگارد و این آیه تنها آیه‌ای در قرآن کریم است که در آن مکر و حيله شیطان ضعیف نشان داده شده است، گویا مبارزه با شیطان و دوستان او احتیاج به یک روحیه قوی دارد و نیاز است که دشمنان در چشم مسلمانان ضعیف جلوه داده شده تا به وسیله تشجیع مؤمنان، به مقاتله با دوستان شیطان ترغیب گردند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۷۱/۱ - شبّر، ۱۴۱۰: ۱۱۹/۱).

نکته‌ای که در این روش بایستی بدان توجه نمود این است که ضعیف شمردن دشمن یک نوع فریب و بیان خلاف واقعیت به رزمندگان نیست بلکه آگاه نمودن آنان با واقعیات نبرد است، واقعیاتی که سبب آسانی انجام آن تکلیف می‌شود. در نتیجه شایسته است «دلیل آسان بودن» انجام جهاد را ذکر کرده تا مخاطب با پشتوانه منطقی و قانع کننده‌ای رفتار مورد نظر را آغاز کند و از سخن متکلم بوی فریب استشمام نگردد. خداوند متعال نیز در آیه «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ

۱. از جمله آنها: «... وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره/۱۶۸) - «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یس/۶۰)

۲. «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ...» (فاطر/۶)

۳. کسانی که ایمان دارند، در راه خدا بیکار می‌کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت، پس شما با یاران شیطان، بیکار کنید؛ و از آنها نهراسید؛ زیرا که نقشه شیطان، همانند قدرتش ضعیف است.

الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء/۷۶) با آوردن عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ» در صدر آیه، به علت ضعیف بودن دشمنان اشاره می‌کند زیرا برخلاف کفار، مؤمنانی که در راه خدا مبارزه می‌کنند از یاری و حمایت خداوند بهره مند هستند لذا در برابر یاری خداوند قوی‌ترین حیل‌های شیطان نیز محکوم به ضعف خواهند بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۱۷/۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۳/۶).

نمونه دیگری از کاربرد این روش، در جریان غزوه بدر و تحریر مسلمانان برای شرکت در آن مشاهده می‌گردد. با توجه به وقوع این غزوه در اوائل ظهور اسلام، مسلمانان از نظر نفر و تجهیزات نظامی در نهایت قلت بوده‌اند. طبق برخی نقل‌های تاریخی تعداد مسلمانان در روز جنگ بدر، سیصد و چند نفر سواره و عده‌ای پیاده ذکر شده است که در میان آنها فقط ۸۰ عدد شتر و یک اسب وجود داشت اما در مقابل مشرکین در نهایت فزونی نفر و تجهیزات جنگی بوده که تعداد آنها را قریب به ۱۰۰۰ نفر ذکر نموده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱ ص ۱۶۸). طبیعی است که مبارزه با گروهی که حدوداً سه برابر بیشتر بوده و از نظر تجهیزات نیز کامل‌ترند برای مسلمین دشوار به نظر می‌رسید و در نتیجه از انگیزه کافی برای شرکت در غزوه بدر برخوردار نبوده باشند.

اینجاست که خداوند متعال برای تقویت انگیزه آنها به جهت شرکت در کارزار بدر، در خواب، رؤیایی را به پیامبر نشان داده که در آن، تعداد مشرکین برای مبارزه با مسلمانان کم بوده است و در نتیجه پیامبر اکرم ﷺ نیز با تعریف این خواب برای مسلمین انگیزه آنها را نسبت به مبارزه با کفار تقویت نموده و این مبارزه دشوار را آسان انگارد:

«إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشَيْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِيهِ الْأُمُورَ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (انفال/۴۳)^۱

همچنین در بیداری نیز در هنگام کارزار بدر، خداوند متعال تعداد مشرکین را در نظر مسلمانان کمتر از تعداد واقعی آنها نشان می‌داده است:

۱. در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را در خواب به تو کم نشان داد؛ و اگر آنان را فراوان نشان می‌داد، به یقین سست می‌شدید؛ و درباره شروع جنگ با آنها کارتان به اختلاف می‌کشید؛ ولی خداوند شما را از شرّ اینها سالم نگه داشت؛ خداوند به آنچه درون سینه‌هاست، داناست

﴿وَ إِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقِيْتُمْ فِيْ اَغْيِنِكُمْ قَلِيْلًا وَيَقْلَلِكُمْ فِيْ اَغْيِنِيْهِم لِيُقْضِيَ اللّٰهُ اَمْرًا كَانَ مَفْعُوْلًا وَّ اِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْر﴾ (انفال/۴۴)^۱

این کم نشان دادن تا آن حد بود که در نظر «ابن مسعود»: صحابی گرانقدر پیامبر ﷺ، گروه ۱۰۰ نفره مشرکان، ۷۰ نفر جلوه می نمود (طبرسی، ۴: ۱۳۷۲، ۸۴۱). برخی از مفسرین نیز دلیل کم جلوه دادن نفرات مشرکین را توسط خداوند، جرأت یافتن مسلمین و تشجیع آنها به جهت شرکت در غزوه بدر دانسته اند. (طبرسی، ۴: ۱۳۷۲، ۸۴۰؛ فیض کاشانی، ۲: ۱۴۱۵، ۳۰۶؛ طبری، ۱۰: ۱۴۱۲، ص ۹). البته شایسته ذکر است که اگر قدرت مؤمنان را بعلاوه قدرت خداوند نمائیم صدها هزار لشکر دشمن، عددی نیز به حساب نخواهند آمد و لذا این دلیل جلوه دادن مشرکین، حقیقتی است که خداوند متعال به مؤمنان نشان داده است. از دیگر آیاتی که خداوند متعال، دشمنان را تحقیر و تضعیف نموده و در نتیجه مبارزه با آنها را آسان جلوه نمود، وصف بزدلی و وحشت یهودیان بنی نضیر و منافقان از رویارویی مستقیم با مسلمانان است که در آیه ۱۴ سوره حشر آمده است: «لَا يَتَاتِلُوْكُمْ جَمِيْعًا اِلَّا فِيْ قُرَىٍّ مَّحْصَنَةٍ اَوْ مِنْ وَّرَآءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بِيْنَهُمْ شَدِيْدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيْعًا وَّ قُلُوْبُهُمْ شَتَّىٰ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُوْنَ» (حشر: ۱۴)^۲.

برخی از مفسرین نیز این بیان ضعف و زبونی دشمنان را سبب جسارت و تشجیع سپاهیان اسلام در برابر سپاهیان کفر دانسته اند (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۵۲: ۱۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۱۶: ۲۷۰؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۱۳، ۱۰۷). همچنین در این آیه نیز خداوند متعال با آوردن عبارت «ذَلِكْ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُوْنَ» علتی برای این آسان انگاری بیان نموده زیرا این تشدد آراء و تفرق دشمنان به دلیل عدم تعقل و فهم این معناست که این جدایی‌ها سبب ضعف قوای جنگی آنها خواهد شد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۰۷: ۴). لذا این بیان علت می تواند اقتناع فکری رزمندگان را در پی داشته و در نتیجه سبب قوت قلبی بیشتر آنان شود.

۱. و در آن هنگام که در میدان نبرد، با هم رو به رو شدید، آنها را در نظر شما کم نشان می داد؛ و شما را نیز در نظر آنها کم می نمود؛ تا خداوند، کاری را که می بایست انجام گیرد، تحقق بخشد؛ تا جنگ آغاز گردد و منتهی به شکست آنها شود و شکست بخورند! و همه امور به سوی خدا باز می گردد.
۲. آنها هرگز با شما بصورت گروهی نمی جنگند جز در دژهای محکم یا از پشت دیوارها! پیکارشان در میان خودشان شدید است، (اما در برابر شما ضعیف!) آنها را متحد می پنداری، در حالی که دلهایشان پراکنده است این به خاطر آن است که آنها قومی هستند که تعقل نمی کنند!

نتیجه‌گیری

از بررسی یافته‌های این پژوهش می‌توان نتایج زیر را بیان نمود:

۱. استعمال واژه انگیزشی «تحریض» در مواردی است که یک امر خطیری در میان بوده و نپرداختن سریع به آن سبب هلاکت و نابودی می‌شود و این تحریک انگیزه نیز با دو روش زیبا جلوه دادن و آسان‌انگاری عمل انجام خواهد شد.
۲. روش‌های قرآنی دعوت به جهاد نیز با دو مؤلفه روشی این واژه هماهنگی دارند و در قرآن کریم نیز با دو نوع روش انگیزشی زیبا جلوه دادن انجام جهاد و آسان‌انگاری انجام آن روبرو هستیم.
۳. روش زیبا جلوه دادن انجام جهاد در قرآن با بیان ثمرات و پاداش‌های انجام جهاد صورت گرفته است که یا بصورت کلی با بیان «خیر بودن» انجام جهاد و یا بصورت جزئی با بیان نعمات دنیوی آن همچون کسب غنائم و نعمات اخروی آن همچون ورود به بهشت انجام شده است.
۴. استفاده از لغات متداول در میان مردم همچون تجارت و خرید و فروش در بیان ثواب‌های انجام جهاد، به دلیل ملموس‌تر کردن این پاداش‌ها می‌تواند اثر انگیزشی مضاعفی به دنبال داشته باشد.
۵. جنس بخشی از پاداش‌های جهاد متفاوت از دیگر پاداش‌هاست که این دسته از پاداش‌ها، انجام جهاد بخاطر کسب محبت و مقامات الهی است و از ارزشمندی بالاتری نسبت به پاداش مادی و اخروی جهاد برخوردار است.
۶. بر اساس نظریه انتظار پاداش، به هر میزان که پاداش در نظر گرفته شده برای مخاطب مطلوبیت داشته باشد به همان میزان نیز انگیزه او افزایش خواهد یافت که این امر در تنوع پاداش‌های قرآن پیرامون جهاد مشهود می‌باشد.
۷. روش آسان‌انگاری انجام جهاد در قرآن با بیان توانایی‌های رزمندگان به عنوان عامل پیروزی آنها در نبرد و نیز ضعیف شمردن دشمن صورت می‌پذیرد.
۸. نظریه «احساس خودکارآمدی»، قضاوت افراد نسبت به توانمندی‌های خویش را به عنوان یک عامل انگیزشی معرفی می‌کند که قانع‌سازی کلامی به عنوان یکی از منابع ایجاد

آن در افراد مطرح شده که بیان نقاط مثبت رزمندگان اسلام و برتری آنان نسبت به سپاه کفر نمونه‌هایی از این اقناع کلامی قرآن در مساله جهاد است. البته ایمان به خداوند نیز در یکی از آیات نیز در کنار اتکای به توانایی‌ها به عنوان یک شرط پیروزی معرفی شده است.

۹. در مقابل روش مستکبران نسبت به قوی جلوه دادن خویش، قرآن کریم در موارد متعددی لشکر کفر را در چشمان مومنان ضعیف جلوه داده است و تنها موردی که قرآن به ضعف حيله شیطان اشاره نموده است نیز در باب مبارزه با دوستان شیطان است که خود تقویت انگیزه جهاد را در پی دارد.

۱۰. نباید فراموش نمود که اقناع ذهنی مخاطب در ضعیف شمردن دشمن از اهمیت برخوردار است زیرا چنین پنداشتی نسبت به دشمن بایستی بر اساس واقعیات نبرد بوده تا مبدا همین امر خود عامل شکست سپاه اسلام شود.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸)، التوحید، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲)، دکترین و سیاست‌های دفاعی امنیتی در صحیفه سجادیه، مجله سیاست دفاعی، شماره ۶۱
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة
- امیری، مسلم و جواد مصرآبادی (۱۳۹۸)، فراتحلیل رابطه بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با خودکارآمدی، مجله مطالعات آموزش و یادگیری، دوره یازدهم، شماره ۱
- جنیدی، رضا (۱۳۸۹)، تکنیک‌های عملیات روانی، مشهد: به نشر
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۳۳)، معجم الصحاح، بیروت: الاعلمی للمطبوعات
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات
- حسینی همدانی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۴)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم
- رشیدی، مهدی و داوود آذر (۱۳۹۴)، تحلیل هرمنوتیک عملیات روانی در عصر نبوت پیامبر اسلام ﷺ، فصلنامه علوم و فنون نظامی، شماره ۳۲
- ریو، مارشال (۱۳۹۳)، انگیزش و هیجان، تهران: ویرایش
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی
- سلیمانی، نعمت الله (۱۳۸۶)، عوامل تقویت و کاهش روحیه دفاعی، فصلنامه عملیات روانی، شماره ۳
- شبر، عبدالله (۱۴۱۰)، تفسیر القرآن الکریم، قم: مؤسسه دارالهجرة

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن بیروت: دارالمعرفة

فعالی، محمدتقی (۱۳۹۱)، خودباوری - سبک زندگی توحیدی و موفقیت الهی، تهران: مؤسسه

فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.

کاویانی، محمد (۱۳۹۳)، روانشناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية

گورمن، فیل (۱۳۸۹)، انگیزش و هیجان، تهران: دانژه

محمدی سیرت، حسین و سید مهدی موسی نیا (۱۳۹۵)، رهیافتی اسلامی در مفهوم سازی

بنیادی عملیات روانی، فصلنامه روانشناسی، شماره ۲۵

مهدوی نژاد، محمدحسین (۱۳۹۱)، تحلیلی فلسفی از مبنای انسان شناختی و انگیزش اخلاقی

در اندیشه علامه طباطبایی، دوفصلنامه حکمت صدرایی، شماره ۱

Isaac Robert G & Wilferd J. Zerbe & Douglas C. Pitt (2001), Leadership and motivation: The effective application of expectancy theory. Journal of Managerial Issues. No 13(2)

SUCIU Leonina-Emilia & Maria MORTAN & Lucreția LAZĂR (2013), VROOM'S EXPECTANCY THEORY. AN EMPIRICAL STUDY: CIVIL SERVANT'S PERFORMANCE APPRAISAL INFLUENCING EXPECTANCY, Transylvanian Review of Administrative Sciences, No 39